

# امام راحل سلام الله عليه

## وفقه سنتی



قسم هشتم

آیت الله محمّدی گیلانی

- \* بالاخره اصول و کتابهای حدیث عرضه شده به ائمه اطهار علیهم السلام در جوامع اولیه ثبت شدند.
- \* جامع کافی در وسط سماء جوامع حدیثیه چون خورشید جهان افروز و دیگران اقمارند.
- \* عمر این آفرینش برجسته کلینی «ره» بدر ازای عمر شریعت است.
- \* آگهی کلینی را بعظمت آفریده خویش می توان از خطبه کتاب کافی دریافت.
- \* تعبیر کلینی ضمانت نامه ای است بر صحت احادیث و

- اخبار مندرج در کافی.
- \* پایه های اساسی این تعبیر: وجود اصول محرّره و کتب عرضه شده بر ائمه اطهار علیهم السلام هنگام تألیف کافی شریف و وجود تلامذه آن بزرگوار که برخی از آنها صاحب کرامت بوده اند مانند صفوانی.
- \* بیان مباهله آنجناب با قاضی موصل در محضر امیر ابن خندان و هلاکت قاضی، و انگیزه مهاجرت کلینی ببغداد و این که مأموریت تألیف کافی باشراف نواب خاصه انجام پذیرد.

جامع شریف کافی شجره طیبه ای است «اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کلّ احسن باذن ربها» که این باغبان هنرمند معارف و احکام، با ابزار همت بلند و هوش سرشار و اعتماد بخداوند متعال و همکاران او هم آوازن و خریداران معارف شناس یعنی سفراء امام زمان ارواحنا له الفداء در عصر غیبت صغری، پدید آورده است که از بادهای حوادث و طوفانهای تقلبات دهر هرگز گزند نمی یابد و گردون نوپرداز کهن فرسای، نتوانسته و نخواهد توانست، در آستان آن، پژمردگی فراهم سازد.

کلینی عظیم بعظمت آفرینندگی خود، نیک آگهی داشت، براساس این آگهی است که در کمال یقین در خطبه کافی شریف، آن را جامع فنون علم دین، و آثار صحیحه صادقین علیهم السلام اعلان داشته و دوام و ابدیت آن را «الی انتضاء الدنیا» توصیف می نماید:

«وقلت انک نحت ان نکون عندک کتاب کاف یجمع [فيه] من جمیع فنون علم الدین ما یکتفی به المتعلّم و یرجع الیه المسترشد و یأخذ منه من

از مقالات گذشته روشن شد که ضبط احادیث و روایات موجود در کتب موروث نزد ائمه اطهار علیهم السلام بوسیله اصحابشان در نهایت دقت ممکن انجام پذیرفت، و رساله های کوچکی که هر یک از آنها «اصل» نامیده می شد در این باب تدوین گردید، که بالاخره بجوامع حدیثیه که هم اکنون در دست ما است منتهی شد، و جوامع اولیه احادیثه شیعه همین کتب اربعه است که جامع شریف «کافی» امام المحدثین محمد بن یعقوب کلینی رضوان الله علیه در وسط سماء احادیث موروث از رسول الله صلی الله علیه و آله همچون خورشید جهان افروز است، و جوامع دیگر اقماری هستند که در تبویب و انتخاب و ترتیب و تهذیب اخبار از ضیاء آن خورشید تابان استضاءه کرده اند.

کافی شریف، آفرینش برجسته ای است که بهمت آسمان سالی دهقان کریم الاصل والنسب رازی کلینی علیه الرحمه انجام پذیرفت، کلینی عظیم بخلاقیتی دست یافت، و پدیده ای آفرید که عمر آن بدر ازای عمر: «حلال محمّد حلال و حرامه حرام الی یوم القیامه» می باشد.



برید علم الدین والعمل به بالآثار الصحیحه عن الصادقین علیهم السلام والسنن القائمه التي علیها العمل وبها یؤدی فرض الله عزوجل وستة نبيته صلى الله عليه وآله... وقد بسر الله وله الحمد تأليف ما سألت وارحوان يكون بحسب توخيت فمهما كان فيه من تفصير فلم تقصر تبنتنا في اهداء النصيحة اذ كانت واجبة لاجواننا واهل ملتنا مع مارحوان ان نكون مشاركين لكل من اقتبس منه وعمل بما فيه في دهرنا هذا وفي غابره الى انقضاء الدنيا اذ الرب جل وعز واحد والرسول محمد خاتم النبيين صلوات الله وسلامه عليه وآله واحد، والشريعة واحدة وحلال محمدي حلال وحرامه حرام الى يوم القيامة...»

گفتید: دوست دارید که نزدتان کتابی باشد، کافی جامع همه فنون علم دین، بگونه ای که متعلم و طالب رشد، بدان اکتفاء کند، و طالب علم و عمل از آن اخذ نماید، طالب علم و عمل به آثار صحیحه از ائمه صادقین علیهم السلام و روشها و سنن استواری که مبنای عمل است، که فرض الله عزوجل و سنت رسول الله صلى الله عليه وآله بدینوسیله تأدیبه میگردد... و خدایتعالی «که همه محامد از آن اوست» تألیف کتاب جامعی را که خواسته بودید بر من آسان فرمودند، و امیدوارم مطابق خواسته تان باشد، چنانچه در آن کوشاهی ای مشهود گردد نسبت ما در اهداء نصیحت، نارسان نبوده زیرا نصیحت و خیرخواهی نسبت به برادران و همکیشانمان فریضه ای است بر عهده ما مضافاً بر این، امیدواریم، با هرکس که از این کتاب جامع بهره مند شود و بمضامین آن عمل کند چه در حال و چه در آینده «الی انقضاء الدنيا» شریک باشیم، چه پروردگار عزوجل واحد، و رسول الله صلى الله عليه وآله واحد، و شریعت واحد، و حلال محمد حلال و حرام او حرام است تا روز قیامت...

این تعبیر چنانکه می بیند ضمانتنامه ای است از کلینی «ره» بر صحت اخبار مندرج در کافی شریف و اینکه تکالیف الهی با عمل به آنها تأدیبه میشود، چنان تعبیری که بی تردید بر ضمانت و عهده داری گوینده نسبت بصحت صدور آثار مندرج در کتابش از ائمه معصومین علیهم السلام و مجزی بودن عمل به آنها از عصر کلینی تا انقراض دنیا، دلالت دارد، بر پایه هائی استوار است از آنجمله آنکه در هنگام تألیف کتاب کافی، اصول مرقوم و محرر بدست اصحاب ائمه علیهم السلام و کتابهائی که بعرض آنها رسیده بود، در نزد کلینی «ره» وجود داشت، زیرا تمام این مدارک و مستندات نزد ابی محمد هرون بن موسی تلمذگیری «ره» که از شاگردان کلینی است موجود بوده است و بطرق کلینی آنها را روایت می نمود، چنانکه اکثر این اصول معتمده و کتب معروضه و اخبار ثقات نزد فقیه ثقه حمید بن زیاد نینوانی که از مشایخ

کلینی است موجود بوده و شیخ الطائفه «ره» در فهرست که آنجناب را توثیق کرده میفرماید:

«روى الاصول اكثرها له كتب كثيرة على عدد كتب الاصول...»

(الفهرست طبع بیروت ص ۸۹)

و از جمله ادله بر استواری تعبیر کلینی از جامع کافی، همانا وجود اغاضی از تلامذه آنحضرت است که کافی را از محضرش تلقی کرده و استنساخ نمودند و منتشر ساختند، و همه نسخه های بعدی به آنها منتهی میگردد، این اعاضم هریک خود حجت الهی در حوزه خویش بوده اند و در میان آنان بعضی ها صاحب کرامت بارزند مانند جناب صفوانی، محمّد بن احمد بن قضاة بن صفوان بن مهران الجمال از اصحاب امام صادق و کاظم علیهما السلام، نجاشی درباره او میگوید:

«شيخ الطائفة ثقة، فقيه، فاضل. وكان له منزلة من السلطان، كان اصلها انه ناظر قاضي التوصل في الامامة بين يدى ابن حمدان فانهى القول بينهما الى ان قال للقاضي: نباهلتي؟ فوعده الى غد ثم حضر ابا فباهله وجعل كفه في كفه، ثم قاما من المجلس وكان القاضي يحضر دار الامير ابن حمدان في كل يوم، فتاخر ذلك اليوم ومن غده فقال الامير: اعرفوا خبر القاضي، فعاد الرسول فقال: انه من مقام من موضع المباهله حم واتفتح الكف الذي مده للمباهله وقد اسودت ثم مات من الغد فانشر لابي عبدالله الصفوانى بهذا ذكر عند الملوك وحظي منهم وكان له منزلة...»

(رجال النجاشی - طبع قم ص ۳۹۳)

جناب صفوانی شیخ طایفه امامیه، ثقه، فقیه، فاضل بوده اند در نزد سلطان وقت دارای منزلتی بودند، و سبب موقعیت وی نزد سلطان این بود که با قاضی موصل در مساله امامت در محضر امیر ابن حمدان مناظره کردند، کار مناظره بدانجا انجامید که جناب صفوانی به وی پیشنهاد مباهله دادند قاضی قبول کردند که فردا بمباهله حاضر شوند، فردا در محضر امیر جهت مباهله حاضر شدند و مباهله انجام پذیرفت، و کف دست قاضی در کف دست صفوانی قرار داشت و هر دو از مجلس برخاستند و بیرون رفتند، و قاضی مزبور که هر روز به منزل امیر می آمد، آن روز و فردایش را حاضر نشدند، امیر دستور داد که از قاضی خبری بگیرند قاصد رفت و برگشت، گفت از هسگامی که قاضی از موضع مباهله برخاست مبتلا به تب شده اند و کفی را که برای مباهله دراز کرده باد کرده و سیاه شده، سپس فردای روز استخبار کردند، و این کرامت صفوانی انتشار یافت...

و نظیر آن ابوغالب احمد بن محمّد زراری که در زمان نبایت جناب شیخ ابی القاسم حسین بن روح التماس دعا از حضرت قائم علیه السلام



در حلّ مشکل خود نمودند بدون آنکه مشکل را نام ببرند، توفیق شریف از ناحیه مقدسه بیرون آمد: «الزوج والزوجه فاصح الله ذات بینهما» که تفصیل آن را شیخ «ره» در کتاب الغیبه آورده (ص ۱۸۳).

و از قوام مهم تضمین کلینی، صحت آثار و احادیث مندرج در کافی این امر است که ذکر می شود بلکه این امر از اهم پایه های تعهد او است، به این توضیح:

کوچ کردن جهت تحصیل علوم و استماع احادیث و آثار از محدثین کبار و حفاظ نامدار، امری بود رایج و دارج، شیفتگان آثار و اخبار نبوت، رنج سفر و اقامت در بلاد غربت و هجران از اهل و اولاد را بر خود هموار می کردند، که رؤساء احادیث و فقاہت و عقیدت را ملاقات کنند بر مزایائی از آنجمله علو اسناد دست یابند و حتی برای استماع یک حدیث از منبعی که نزدشان معتبر بوده، رحلاتی انجام می دادند، ابو داود در سنن خود خبری عجیب از مکحول ققیه اهل شام نقل می کند که گفته: «كنت عبداً بمصر لامرأة من بني هذيل فاعتقتني، فما خرجت من مصر وبها علم الا حويت عليه فيما أرى ثم اتيت الحجاز فما خرجت منها وبها علم الا حويت عليه فيما أرى ثم اتيت العراق... ثم اتيت الشام فغيرلتها كل ذلك اسأل عن النفل فلم اجد احداً يخبرني فيه بشيء حتى اتيت شيباناً فقال له زياد بن جارية النميمي فقلت له: هل سمعت في النفل شيئاً؟ قال: نعم، سمعت حبيب بن مسلمة الفهري يقول: شهدت النبي صلى الله عليه وسلم نفل الربع في البدأة والثالث في الرجعة».

(ج ۳ ص ۸۰)

من در مصر برده زنی از قبیله بنی هذیل بودم، آزادیم نمودم، از مصر خارج نشدم مگر آنکه آنچه علم در آنجا بوده و مظلومی بوده برگزفتم و همین طور که به حجاز و عراق سفر کردم علوم مظلوم را تحصیل نمودم سپس به شام آمدم این دیار را غربال نموده دانه های درشت علوم را برگزفتم در همه این رحلات از مساله «نفل: اجر و مزدی که رسول الله صلی الله علیه وآله در مقابل عمل برای برخی از مجاهدین از غنیمت قرار می داد» پرسش می نمودم ولی کسی در این باره به من جوابی نمی داد تا اینکه شیخی که نامش زیاد بن جاریه بود بمن پاسخ داد که او از حبيب بن مسلمة فہری شنیده می گفت: من شاهد بودم که رسول الله صلی الله علیه وآله یک چهارم غنیمت را به گروه اولی که به دارالحرب اعزام می شدند می داده و یک سوم آن را به گروه دوم که بعد از رجوع گروه اول اعزام به دارالحرب می شدند اعطاء می فرمودند. برای توضیح بیشتر به جواهر ج ۲۱ ص ۲۲۰ مراجعه شود.

باری رحله و رحلات برای درک حضور مشایخ حدیث و تحصیل مزایای مغبوط یک سنت رایجی بوده ولی رحله و کوچ کردن جناب

کلینی «قدّه» از ری و سکونتش در بغداد فقط به این انگیزه نبود این مرد هوشمند که بیش از هزار سال پیش از بیت طیب الاصلی از روستای کلین از منطقه «ری» با نبود امکانات کامل، با هوش سرشار موهوبی و همت بلند و موذت به آل البیت علیهم السلام و پارسائی کم نظیر مورد توجه امامیه گردید و مرجع شیعیان و چهره درخشان طایفه محققه در ری بودند، در شأن همت بلند آن نبوده که با امکان محاضره و دسترسی مداوم به نواب امام زمان علیه السلام در غیبت صغری مسامحه کند و از این هجرت الی الله تعالی که احیاء و ابقاء شریعت در آن بوده نکاسل ورزد.

به یقین مهاجرت آن هوشمند برگزیده خدایتعالی به بغداد، به انگیزه دسترسی و محاضره با سفراء خاصه حضرت بقیة الله تعالی بوده، تا جامع کافی که در دست تألیف بوده در حریم اشراف آنان سلام الله علیهم که پرتو اشراف امام زمان عجل الله فرجه بوده، صبغة اعتبار نزد شیعه به خود گیرد ابوغالب زراری تلمیذ کلینی «ره» چنانکه شنیدی برای حلّ مشکل خانوادگی به بغداد می رود و بوسیله حضرت شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضوان الله علیه از امام زمان علیه السلام تقاضای دعا برای حلّ مشکلتش می کند و امام علیه السلام برای حلّ مشکل او دعا می فرمایند و در توفیق مرقوم می فرمایند! چطور حضرت کلینی استاد امثال زراری ها و صفوانی ها و عسمانی ها برای تأمین چنین مقصدی خطیر که با سرنوشت امامیه مرتبط است به بغداد، نرود، و این آفرینش برجسته خویش را در حریم اشراف آن حضرت تکمیل نسازد و به آن حضرت عرضه ندارد!

این دهقان پاک نژاد رازی خواهرزاده جناب «علائن الکلینی» که با نبود امکانات و فقد اسباب کامل با اتکال به آستان حضرت صاحب الاسباب، آن همه امکانات آفرید و اسباب و وسائل مهیا ساخت امکان ارتباط به نواب عصر غیبت صغری و تشرف به خدمتشان و عرضه جزوه های جامع کافی به آنها همانند شمس فی رانعة النهار است معذک آن بزرگوار در انجام این فریضه تعلل ورزد و کوتاهی کند!

حاشا از چنین خیالی درباره این برگزیده خداوند متان، انسان هر چه هم دیر باور باشد با مطالعه احوال این نابغه رازی اطمینان حاصل می کند که عمده انگیزه آن بزرگوار در این مهاجرت، لقاء آن اناء الله تعالی و انعام و انجام این مأموریت الهی در مرآی و منظر آنان و احیاء عرضة کتاب کافی به آستان قدس حضرت خاتم الاوصیاء علیه وعلیهم السلام بود چنانکه عرضه اصول و کتب احادیث برائمه پیش از آن حضرت، مستی بوده معروف و معمول بها.

ادامه دارد